

## آسیب شناسی روانی (آلودگی و طرد) و تحلیل رفتار فردی وزیران دربار غزنوی در تاریخ بیهقی براساس نظریه اریک برن

نسرین عمران نژاد<sup>۱</sup>، پروانه عادل زاده<sup>۲\*</sup> و کامران پشایی فخری<sup>۳</sup>

### چکیده

آسیب شناسی روانی، مطالعه ناهنجاری‌ها و اختلالات روانی است که بر اثر هیجان و اضطراب شدید در انسان در دو سطح میان فردی و درون فردی به وجود می‌آید. ارتباط میان فردی نوعی نیروی انگیزشی مهم و اساسی برای سازگاری است و مشخصه آن نداشتن حالت دفاعی، داشتن صمیمیت و رضایت است هرچه بیشتر انسان بتواند بین تمایل درونی خود و انتظار جامعه تعادل برقرار کند سازگارتر است و نقض در ارتباط و ناهماهنگی شناختی و تعارض‌های تبادل‌تأثیر نامطلوب بر عملکرد و امنیت اطرافیان می‌گذارد. اریک برن تحلیل رفتار متقابل شخصیت انسان را به سه بخش کودک، والد و بالغ تقسیم می‌کند. به اعتقاد او اگر میان این سه حالت تعادل برقرار گردد، فرد از نظر شخصیتی سالم است اما گاهی مرز میان این حالات دچار شکنندگی شده و با یکدیگر تداخل پیدا می‌کند و محتوای آن با هم تخلیط می‌شود که مانع کارکرد بهنجار فرد می‌شود. برن این حالات را (آلودگی و طرد) نام گذاری کرده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، وزیران دربار غزنوی را با توجه به دو مؤلفه ذکر شده مورد تحلیل قرار داده و به بررسی انحراف یا کج رفتاری روابط بین فردی و واکنش‌های متقابل آن‌ها و در سطح درون فردی به مشکلات ساختاری آنان می‌پردازد، یافته‌های تحقیق نشانگر این است که بیشتر روابط تنش‌زا، همراه با خشم، پریشانی و قتل، ریشه در الگوی افکار ناکارآمد دارند و رویکردی چون روان پریشی یا بی‌وجدانی را به وجود می‌آورد.

**کلید واژه‌ها:** آسیب شناسی روانی، آلودگی و طرد، تحلیل رفتار متقابل، وزیران تاریخ بیهقی، اریک برن.

<sup>۱</sup> - دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران.

<sup>۲</sup> - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

**Email: Adelzadehparvaneh@yahoo.com**

<sup>۳</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

## مقدمه

در متون ادبی و تاریخی به دلیل داشتن شخصیت‌های متعدد امکان شناسایی و درک موقعیت‌های گوناگون، کنش و واکنش و موضع‌گیری افراد مسائل و موضوعات مختلف را به مخاطب معرفی می‌کند تاریخ بیهقی نیز مستثنی از این قاعده نیست و بیهقی در اثر خود از اشخاص بسیاری با ذکر اعمال و رفتار آن‌ها سخن به میان آورده است. او مرزبندی فاجعه آمیز بین طرفداران سلطان محمود (پدریان) و سلطان مسعود (پسریان) و مسائل ضد و نقیض آن‌ها را در اجتماع که برای رسیدن به برتری، رقابت می‌کردند به تصویر کشیده است. بیشتر ماجراهای تاریخ بیهقی حول محور انتقام جویی پنهانی منحصر می‌گردد.

در پژوهش حاضر، تحلیل رفتار سه فرد از وزیران مهم حکومت غزنوی که تدبیر امور را بر عهده داشتند و سه ضلع اصلی مثلث تاریخ غزنویان را تشکیل داده بودند یعنی خواجه احمد حسن میمندی، حسنگ وزیر و بوسهل زوزنی، «که به فرمان مسعود در دیوان می‌نشیند و همچون شبه وزیری کار می‌راند...» (رضایی، ۱۳۷۴: ۲۲۷) بررسی می‌شود. ابتدا تعریفی مختصر درباره تحلیل رفتار متقابل ارائه می‌شود سپس در مبانی تحقیق به طور گسترده به شاخصه‌های آن اشاره شده است. تحلیل رفتار متقابل<sup>۱</sup> یکی از شاخه‌های روان‌شناسی است که توسط (اریک برن<sup>۲</sup>) پایه گذاری شده است. اریک برن روان‌پزشک کانادایی با الهام از نظریه‌های فروید<sup>۳</sup> پیرامون شخصیت، تحلیل رفتار متقابل را توسعه داد او با استفاده از این مفهوم در تعاملات اجتماعی به مطالعه میان فردی پرداخت و با سه حالت نفسانی، کودک، بالغ و والد پیچیدگی‌های روابط انسانی را توضیح داد.

کاربرد تحلیل رفتار متقابل در حل مشکلات احساسی و رفتاری، مورد قبول جامعه روان‌شناسی بوده و در زمینه‌های مشاوره، روان‌کاوی، گروه درمانی، توسعه سازمانی و آموزش، نظریه‌های جدیدی ارائه و ابزاری برای تغییر و حل مشکلات است. در این پژوهش تشریح و بازنمایی چرایی رفتار افراد در به کارگیری الگوهای خاص رفتاری، محرک و پاسخ مورد توجه است پرسش کلی این بود که در تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌های تاریخی بیهقی (وزرا) کدام حالت (من) سبب بروز محرک و کدام حالت (من) اجرای پاسخ تعادل را به عهده داشته است؟ در تداخل حالات «من» چه رفتار هایی بروز

<sup>۱</sup> - Tranastianal anylysis

<sup>۲</sup> - Arec Berne

<sup>۳</sup> - Freud

می‌دهد؟ کدامیک از حالات نفسانی کنترل شخصیت فرد را بر عهده دارد؟ و چگونه افراد برای آنکه شرایط را به نفع خود تغییر دهند دست به بازی‌های روانی می‌زنند؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی - تحلیلی است.

### پیشینه تحقیق و جنبه نوآوری آن

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاریخ بیهقی از جنبه‌های مختلف مکاتب روان‌شناسی بررسی شده است اما آثاری که با بهره‌گیری از نظریه تحلیل رفتار متقابل در تاریخ بیهقی صورت گرفته است، می‌توان در موارد زیر اشاره کرد:

- مقاله‌ای درباره شخصیت‌ها و تاریخ بیهقی از نسرین عمران نژاد، پروانه عادل زاده و کامران پاشایی فخری (۱۳۹۷)،

- مقاله دوم تحت عنوان بازی‌های روانی پدریان و پسران (۱۳۹۹) از نسرین عمران نژاد، پروانه عادل زاده و کامران پاشایی فخری نوشته شده است. جنبه نوآوری مقاله حاضر از دیدگاه آسیب‌شناسی روانی (آلودگی و طرد) مورد بحث قرار گرفته که چگونه تعادل حالات شخصیتی برهم خورده و مشکلات را ایجاد می‌کند

مبانی تحقیق

### تعریف شخصیت در تحلیل رفتار متقابل

«شخصیت در تحلیل رفتار متقابل شامل مجموعه‌ای از افکار، احساسات و رفتارها است که اریک برن این حالات را در سه بخش «والد» «بالغ» و «کودک» معرفی می‌کند». (بهرامی مؤید، ۱۳۹۵: ۲۴) این نظریه عملکرد این سه حالت را در نحوه برخورد، رفتار و اندیشه انسان نشان می‌دهد و بیان می‌کند که برای داشتن شخصیت سالم و به‌هنجار هر سه حالت باید وجود داشته باشد، اما اگر به هر دلیلی یکی از مولفه‌ها نباشد نحوه برخورد افراد مختل خواهد شد.

## شخصیت والد<sup>۱</sup>

«والد» احساسات، طرز تفکر و رفتارهایی است که از منابع بیرونی مانند والدین و جانشین آن‌ها در شخصیت فرد ضبط و ثبت می‌شود. شکل‌گیری حالت من والد در کودکان تحت تأثیر دو چیز است اول رفتار و احساساتی که از طریق والدین در کودک نهادینه می‌شود و دیگری فرهنگ و محیط اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند. در شخصیت والد در هر فرد می‌توان دو بخش را بازشناسی کرد یکی والد حمایت‌گر و دیگری والد انتقادگر که می‌توانند جنبه مثبت یا منفی داشته باشند». (بهرامی مؤید، ۱۳۹۵)

## شخصیت بالغ<sup>۲</sup>

«بالغ» بخشی از شخصیت است که به جمع‌آوری یا ارائه اطلاعات می‌پردازد و اطلاعات دریافتی از محیط با درون شخص را ارزیابی کرده، احتمالات را می‌سنجد و دارای قدرت استدلال و منطق است». (همان: ۲۳۶) در این حالت «بالغ» محیط را به طور عینی ارزیابی می‌کند و امکانات و احتمالات را بر اساس تجربه گذشته محاسبه می‌کند.

## شخصیت کودک<sup>۳</sup>

حالت «من کودکی» مجموعه‌ای از احساسات، نگرش‌ها، و طرح‌های رفتاری است که بقایایی از دوران کودکی خود فرد هستند. حوادث درونی، یعنی پاسخ‌های کودک به آنچه که می‌بیند و می‌شنود و نیز تاثیرات کودک از والدین خود در حالت «من کودکی» او ثبت و ضبط می‌شود. (شفیع آبادی، ناصری، ۱۳۹۹: ۲۲۰)

1 . parent

2 . Adult

3 . child

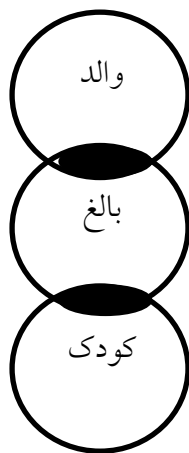
## آسیب شناسی روانی آلودگی

«آلودگی به معنای پیشروی حالت نفسانی «والد» یا «کودک» به مرزهای حالت نفسانی بالغ است. آلودگی وقتی اتفاق می افتد که «بالغ» عقاید بی اساس «والد» یا «کودک» را باور کند و از قدرت تفکر و فرآیند پردازش خود تا حداکثر توان آن بهره نبرد». (استوارت و جونز، ۱۳۹۵: ۱۱۶)

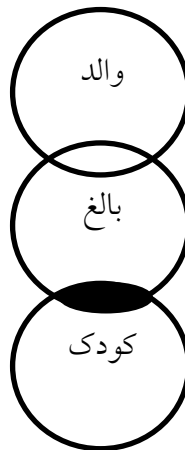
بالغ آلوده به والد

بالغ آلوده به کودک

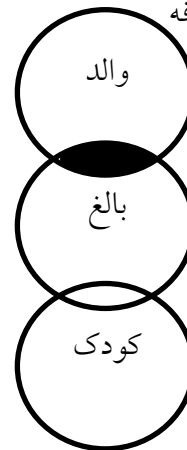
آلودگی دو طرفه



آلودگی دو طرفه



آلودگی به کودک



آلودگی به والد

### نمودار ۱- آلودگی

#### آلودگی «والد»

پیام‌های «والد» با واقعیات «بالغ» اشتباه گرفته می‌شوند خواهی‌خواجه احمد از نیت بوسهل آگاه است و از همان آغاز به او اعتماد ندارد و او را نامسلمان دروغگو و تحریف کننده اخبار می‌خواند.

## آلودگی «کودک»

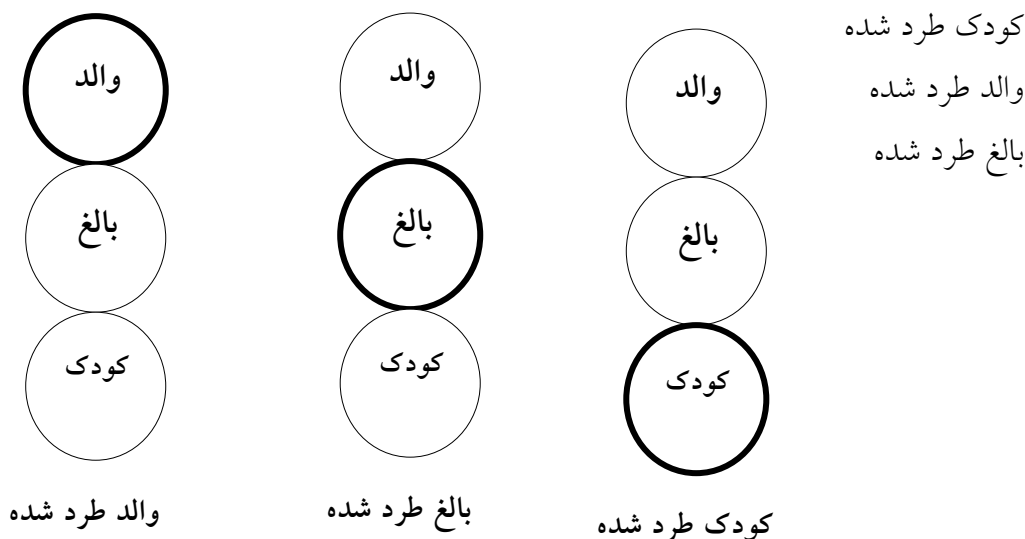
آلودگی در کودک زمانی اتفاق می‌افتد که افکار رشد یافته با باورهای کودک تیره شود بوسهل آرزوی وزارت و سروری دارد اما می‌داند مسعود هیچ گاه او را به این مقام بر نمی‌گزیند.

## آلودگی «دو طرفه»

زمانی که پیام‌های والد باز نوازی می‌شود و با باورهای «کودک» درون تأیید می‌شود آلودگی دو طرفه اتفاق می‌افتد «والد» محمد حسن میمندی من به کسی اعتماد ندارم «کودک» احمد حسن میمندی بوسهل فردی حيله‌گر است سخن را تحریف می‌کند من می‌خواهم فردی مسلمان در میان کار باشد من هرگز به او اعتماد ندارم.

## طرد (حذف یا بیرون راندن)

«به حالتی گفته می‌شود که یک یا بیش از یک حالت نفسانی در فرد به کلی خاموش یا مسدود شود و شخص تنها از یک (حداکثر دو) حالت نفسانی خود واکنش نشان دهد. به این پدیده طرد گفته می‌شود». (همان: ۱۱۷)



در «کودک» طرد شده شخص اغلب سرد خشک و غیر انعطاف پذیر است زیرا کودک درون خود را بیرون رانده و آن را حذف کرده است به قول بیهقی بوسهل سخت بدگمان مردی بود و فردی مغرور و مستبد که عطش قدرت داشت.

افرادی که والد را از خود می‌رانند قواعد تازه‌ایی ایجاد می‌کنند مانند بوسهل که برای رسیدن به خواسته‌های خود شرارت و تضریب‌ها انجام داد او در مسعود نفوذ داشت و در پی جاه‌طلبی، پیوسته فرصت جو بود.

در طرد «بالغ» واقعیت سنجی بسته می‌شود و تنها گفت و گوی درونی بین «کودک - والد» شنیده می‌شود.

سکوت احمد میمندی در محاکمه و اعدام حسنگ و زمانی که مسعود از او نظر خواهی کرد و راه را برای اعدام حسنگ باز گذاشت.

#### تعریف ارتباط متقابل:

«ارتباط متقابل از یک محرک ارتباطی و یک پاسخ ارتباطی تشکیل شده است. محرک و پاسخ می‌توانند کلامی، غیرکلامی یا هر دو باشند. در شیوه تحلیل رفتار ارتباط محاوره ای فرد با دیگران به چهار نوع، مشخص می‌شود (۱) من خوب نیستم، تو خوب هستی<sup>۱</sup> (۲) من خوب نیستم، تو خوب نیستی<sup>۲</sup> (۳) من خوب هستم تو خوب نیستی<sup>۳</sup> (۴) من خوب هستم، تو خوب هستی<sup>۴</sup>. این شیوه‌ها ممکن است از احساس موفقیت تا عدم موفقیت در تغییر باشد» (شفیع آبادی، ناصری، ۱۳۷۸: ۲۲۵)

در تحلیل رفتار متقابل از الگوی حالات نفسانی استفاده می‌شود اگر رابطه محرک و پاسخ از نظر تعادل مکمل یکدیگر باشند روابط سالم خواهد بود مانند: بالغ، کودک - کودک، والد - کودک، والد - والد. در مثالی از بیهقی تبادل مکمل نشان داده شده است. نفوذی که بوسهل بر امیر مسعود

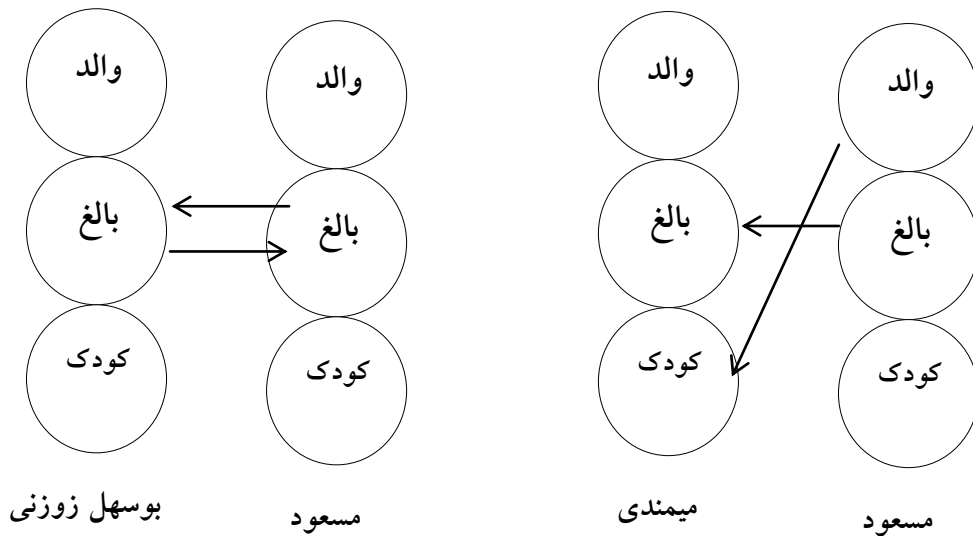
<sup>۱</sup> . I'm not ok , You'er ok

<sup>۲</sup> . I'm not ok , You'er not ok

<sup>۳</sup> . I'm ok , You'er not ok

<sup>۴</sup> . I'm ok , You'er ok

در اغلب ماجراهای تاریخ بیهقی داشت بیشتر از نوع رابطه مکمل هست از جمله تضریب در باب حسنگ وزیر، توطئه علیه آلتونتاش و تحریک مسعود برای گرفتن اموال صلتی و...



در تبادل مکمل پیکان‌ها موازی یکدیگرند  
نمودار شماره (۳)

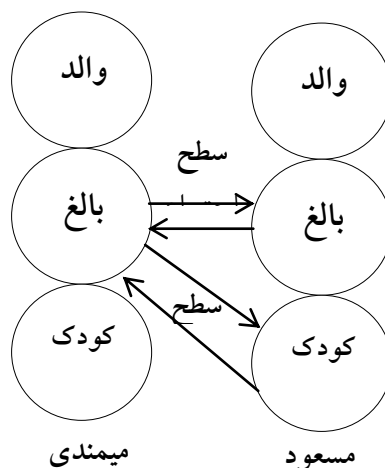
در تبادل متقاطع پیکان‌ها قطع می‌شوند  
نمودار شماره (۴)

در ارتباط متقابل متقاطع روابط بسیار شکننده بوده و احساسات منفی ایجاد می‌شوند به طوری که رابطه قطع می‌شود. ارتباط بین امیر مسعود و میمندی در انتصاب به وزارت از این‌گونه هست «امیر وی را بنشانند و خالی کرد و گفت خواجه چرا تن در [وزارت] نمی‌دهید؟ خواجه گفت: من پیر شده‌ام و از من این کار به هیچ حال نیاید...» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۰۰) امیر مسعود از حالت من (بالغ) به او پیشنهاد وزارت می‌دهد، اما میمندی با حالت والد - کودک پاسخ می‌دهد و رابطه قطع می‌شود اگر چه ممکن است گفت و گو ادامه یابد. «نوع اول واکنش انتقال بالغ - بالغ ← کودک والد نوع دوم واکنش ضد انتقال بالغ - بالغ ← والد - کودک، نوع سوم واکنش تشدید کودک - والد ← بالغ - بالغ و نوع چهارم واکنش گستاخی والد - کودک ← بالغ - بالغ ایجاد می‌شوند.» (برن، ۱۳۹۵: ۲۲)



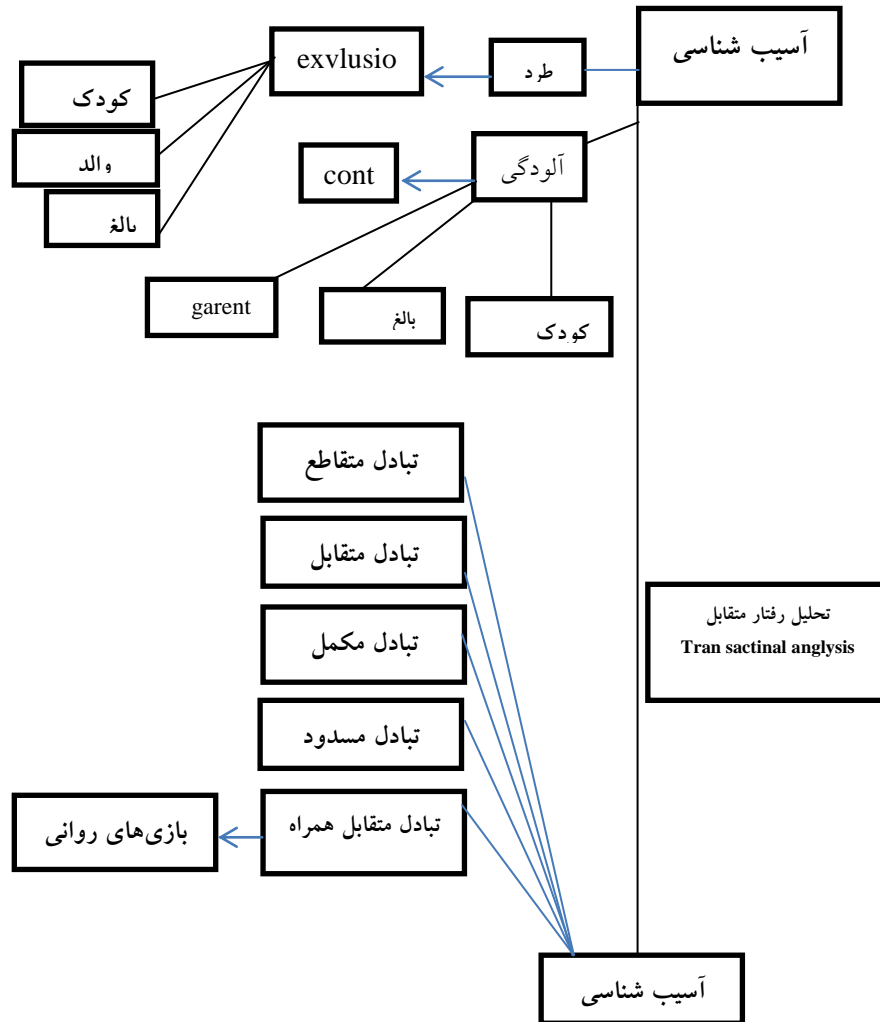
در رابطه متقابل زاویه دار محرک با یک پیام بالغ - بالغ در سطح اجتماعی نفر دوم را مورد خطاب قرار می‌دهد ولی پیام نهانی بالغ - کودک است. امیر مسعود با حالت بالغ، بالغ میمندی را خطاب قرار می‌دهد و او را برای وزارت و سروسامان دادن کشور دعوت می‌کند اما در واقع از او به عنوان انتقام گرفتن از مخالفانش استفاده می‌کند مسعود کودک میمندی را به قلاب می‌اندازد در صورتی که خود میمندی هم‌چنین نقشه‌ایی برای مخالفان و انتقام گرفتن داشت. اریک برن معتقد است که یک رابطه متقابل همراه با پیام‌های نهانی وجود دارد که در آن واحد دو پیام رد و بدل می‌شوند یکی پیام واضح در سطح اجتماعی و دیگری پوشیده و پنهان که در سطح روان‌شناختی ایجاد می‌شود. «اغلب اوقات در سطح اجتماعی رابطه بالغ - بالغ است اما در سطح روان‌شناختی والد - کودک یا کودک والد است». (استوارت و جونز، ۱۳۹۵: ۱۴۰)

ملاقات امیر مسعود با میمندی و خلوت کردن و مذاکره آن‌ها در سطح اجتماعی بالغ - بالغ است اما در سطح روان‌شناختی گروهی از بیم خشک شدند و معلوم شد که شاه و وزیر چه خواهند کرد! از نظر برن «این تبادلهای نهفته اصل و اساس بازی هستند زیرا شامل تداخل و فعالیت همزمان بیش از دو حالت «من» می‌شوند». (کارخانه‌ایی، ۱۳۸۵: ۳۶)



رابطه متقابل مسعود و میمندی همراه با پیام‌های نهانی.

نمودار شماره (۵)



نمودار ۶- انواع روابط در تحلیل رفتار متقابل

بحث و بررسی

احمدبن حسن میمندی

احمدبن حسن میمندی وزیر معروف غزنویان، مقام وزارت را در سلطنت محمود و مسعود عهده‌دار بود با توجه به حُسن تدبیر و هوشمندی در مملکت داری او از رجال و سیاست‌پیشگان مهم آن روزگار به شمار می‌آید. میمندی بعد از ابوالعباس اسفراینی بر منصب وزارت نشست و

پیشانی‌های بی تدبیرانه وزیر قبلی را سامان داد اما سلطان محمود بر او خشم گرفت و پس از عزل از وزارت در دژ کالنجر زندانی کرد پس از به سلطنت رسیدن مسعود غزنوی میمندی از زندان آزاد و دوباره وزارت را بر عهده گرفت.

تصمیم‌گیری مجدد میمندی برای قبولی وزارت در واقع بستن قراردادی واضح با مسعود بود. مسعود از انتصاب خواجه احمد به وزارت، ترساندن پدربیان و انتقام گرفتن از آن‌ها بود و البته بخشی از این انتقام جویی‌ها، کینه‌های کهنه وزیر بود که مسعود راه را برای او تسهیل کرده بود. البته خواجه از قبول وزارت امتناع کرد اما مسعود با گفتار منفعلانه در تصمیم‌گیری‌های خواجه احمد در خصوص موقعیت و مشکلات و اهداف به شدت مقابله می‌کرد با گفتار مسئولانه او را تشویق به تغییر کرد. مسعود خواجه احمد را مورد نوازش روانی قرار داده و از گفتگوی در خفای دو صندلی<sup>۱</sup> استفاده می‌کرد (والد) امیر مسعود «کودک، خواجه احمد را مخاطب قرار می‌داده و این گفتگو را به سمت و سوی برنده شدن خود پیش می‌برد مسعود تعارض‌های «من» خواجه احمد را شناخته و سپس اقدام به حل آن می‌کرد. خواجه احمد حسن از نظر ذهن به عقب برمی‌گردد و زمان‌هایی را به خاطر می‌آورد که تصمیم پیش‌نویس اولیه او را به سوی انتقام سوق می‌داد او تمامی جنبه‌های مرتبط مورد نیاز برای اتخاذ تصمیم‌گیری مجدد را در خود داشت و وقتی که مسعود با شیوه گفتار منفعلانه و تفکر جادویی با او صحبت می‌کند و مسئولیت عاطفی کار او را بر دوش می‌گیرد واکنش تنفر لذت بخش احمد حسن برانگیخته می‌شود و این پاسخ سبب تجهیز روانی او شده و کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های پیش‌نویس قدیمی خود را با «بالغ» آگاه و توانایی‌های آن به روی صحنه بیاورد. سناریوی زندانی شدن احمد حسن در قلعه کالنجر، شکنجه‌ها و مصادره اموال، تمبرهای خشم میمندی است که آن‌ها را با انتقام و مرگ بوالقاسم کثیر، بوبکری حصیری و بوالحسن عقیلی نقد می‌کند. «تمبرهای روانی<sup>۲</sup> شیوه‌ای برای گردآوری احساسات بد است تا رفتار بعدی خود را توجیه کنیم» (بیهقی، ۱۳۸۰: ۲۹۶)

<sup>۱</sup>. Two chair

<sup>۲</sup>. Psychological stamp

خواجه احمد با بازی‌های روانی که علیه دشمنان خود اجرا می‌کند از حالت من اجرایی خود استفاده می‌کند او از حالت «والد» خود وارد عمل انتقام جویی می‌شود در حالی که من «بالغ» او را تماشا می‌کند (ژکیدن و زیر لب حرف زدن). در همه این موارد خواجه احمد نقاب حالت من «بالغ» را به «کودک» و «والد» زده است او نگرش‌های انتقادی و انتقام‌گرایانه را در لُفافی از بهبود اوضاع کشور انجام می‌دهد (والد) او با قیافه حق به جانب در لباس «بالغ» ادعا می‌کند از نظر برن «نفوذپذیری حالت‌های «من» متغیر است و در بیش‌تر اوقات باعث می‌شود فرد نتواند به اندازه کافی در حالت‌های من مورد نظر باقی بماند» (استینر، ۱۳۹۵: ۵۵) بیش‌تر اختلالات حالات «من» خواجه احمد از نوع آلودگی است. وقتی که بالغ او هم زمان با حالت والد و کودک تخلیط می‌شود آلودگی دو طرفه ایجاد می‌شود شخص پیام‌های حالت والد را که با یک گمان و تفکر به آن رسیده است به ذهن می‌آورد و با باور و توهمات برجای مانده از حالت کودک تایید و تقویت می‌کند و نوعی واقعیت‌انگاری به وجود می‌آید در این آلودگی دو طرفه پیام‌ها بالغانه ارزیابی می‌شوند. به تعبیر بونصر مشکان، خواجه احمد برای انتقام گرفتن و تسویه حساب آمده بود و «هر موقعیتی در حکومت پیش از آن که اهداف اجتماعی را دنبال کند به منافع شخصی و حُب و بغض خود می‌رسد». (کاکاوند، ۱۳۸۸: ۲۱)

از نظر تحلیل رفتار رابطه خواجه احمد با دشمنان خود رابطه متقابل متقاطع و مسدود کننده است که منجر به حذف آن‌ها می‌شود رابطه او با مسعود از نوع مکمل هست زیرا خواسته‌های آن‌ها در توازی و همخوانی با یکدیگر قرار دارند.

سلطان مسعود خواجه احمد را فقط برای برخورداری از تجربه و مهارت او در کشورداری به وزارت نگمارده بود بلکه ترساندن پدريان و انتقام کشیدن از آن‌ها بود بیهقی جلسه محرمانه بین سلطان مسعود و خواجه احمد را چنین توصیف می‌کند:

«آن خلوت تا نماز پیشین بکشید و گروهی از بیم خشک می‌شدند و طبلی بود که زیر گلیم می‌زدند ... چون آثار ظاهر می‌شد از آنچه گروهی را شغل‌ها فرسودند و خلعت می‌دادند و گروهی را برکنند نه قفا بر دریدند». (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۰۵) حالت نفسانی «بالغ» خواجه احمد به نحوی منطقی با حقایق سروکار دارد و البته تنها به سن او ربطی ندارد بلکه تجربه او نیز در آن سهیم

است او تمام اطلاعات دوازده سال قدرت و ثروت خود را در زمان سلطان محمود جمع کرده است و آن‌ها را در بالغ خود سازمان می‌دهد، عواقب احتمالی اعمال خود را بعد از خلع و عزل و دوباره خلعت پوشیدن وزارت پیش بینی نموده و تصمیماتی آگاهانه اتخاذ می‌کرد وقتی مسعود از او خواست که وزارت را برعهده بگیرد، خواجه بهانه آورد و مسعود از سوی «بالغ» خود تصمیم گرفت. هر دو از ترفند مخرب استفاده می‌کنند و به گونه‌ای باورهای یکدیگر را مورد دستکاری قرار می‌دهند تا عکس‌العمل خود را برانگیخته و خواسته‌های خود را نسبت به دیگران تقویت کنند.

خواجه احمد بهانه می‌آورد و سلطان مسعود می‌گوید «ما سوگندان تو را کفارت فرماییم» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۲۰۰) خواجه همه نذرهای و قسم‌هایش را از یاد بُرد. بطور غیرقابل پیش‌بینی از یک حالت نفسانی بالغ به حالت والد سوق داده می‌شود و احساسات منفی انباشته شده را خرج می‌کند (خلع و عزل، مصادره اموال و زندانی شده) بالغ او به عقاید تعصب آلوده و توهمات کودکانه آلوده می‌گردد. یک تضاد درونی همراه با واکنش مخرب بین (کودک و والد) خواجه احمد به وجود می‌آید حالت نفسانی «بالغ» می‌تواند مداخله و داوری کند و راه‌های مصالحه یافته و تصمیمات جدیدی ایجاد کند اما او (بازی روانی) پارسامنشی و زهدنمایی را که برای گرفتن امتیاز و به منظور انتقام جویی است اجرا می‌کند خواجه احمد تمام هنجارها، بایدها و نبایدها و ارزش‌های اجتماعی را که از (والد) خود آموخته بود به کنار می‌نهد و از آن روی گردان می‌شود او به یک (بی وجدانی) می‌رسد که سبب رفتارهای انتقام جویانه و هراس‌آور می‌شود خواجه احمد از همان روز اول وزارت خود بخشی از انتقام جویی‌ها را به خواست و توافق سلطان مسعود انجام می‌دهد اما برخی نتیجه‌کینه‌های شخصی خواجه با کسانی بود که در زمره نزدیکان مسعود بودند و از جمله آن‌ها بوسهل زوزنی بود. دشمنی وزیر با بوسهل به سبب جاه‌طلبی او بود که طمع وزارت داشت و هم می‌کوشید «پوشیده» وزارت کند «حالت من» خواجه احمد انعکاسی از وقایع ثبت شده قبلی او را نشان می‌دهد از نظر برن «حالت‌های من» نقش نیستند بلکه واقعیت‌های روانی هستند که یک سلسله طرح‌های رفتاری مربوط به هم را در تصمیم‌گیرهای بعدی بر می‌انگیزند». (شفیع آبادی، ناصری، ۱۳۷۸: ۲۱۹) «خواجه احمد از جاه‌طلبی بوسهل سود جست و جو، وی را

به ظاهر به شغل عرضی گماشت خواجه احمد با یک تیر دو نشان زد او را نخستین ضربه را به ابوالقاسم کثیر زد او را معزول و بوسهل را عهده‌دار این شغل کرد و ثانیاً بوسهل را بر لبه پرتگاه نهاد زیرا می‌دانست جاه طلبی و خودنمایی بوسهل او را آلوده نمی‌گذارد». (دهقانی، ۱۳۹۵: ۱۱۱)

این موقعیت شخص ممکن است در معرض کشمکش‌های درونی شدید قرار گیرد ولی قادر است حالت‌های «من کودکی»، «من بالغ» و «من والد» را طوری از یکدیگر تفکیک کند که به شیوه نسبتاً پایدار، ایفای نقش کنند خواجه احمد علاوه بر بوسهل، دشمنی خود را با ابوالقاسم کثیر، بوبکر حصیری و بوالحسن عقیلی پنهان نمی‌کرد بلکه با سخنانی آنان را به وحشت می‌انداخت و «خواجه آغازید هم از اول به انتقام کشیدن و ژکیدن». (بیهقی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱)

خواجه احمد با رابطه متقابل پنهانی وارد بازی روانی می‌شود با ظاهری قابل قبول عزل و نصب اما با انگیزه پنهانی به بُرد<sup>۱</sup> فکر می‌کرد ظاهراً از درگیری خبری نیست ولی پایان آن تکان دهنده و هیجان انگیز است. «بازی ظاهراً شبیه رشته‌ای عمل است که پس از بُرد معلوم می‌شود که این اعمال در واقع رشته‌ای «ترفند» بوده‌اند نه درخواست صادقانه بلکه دام یا کلکی در شکل بازی روانی». (برن، ۱۳۹۰: ۵۱)

### حسنک وزیر

ابو علی حسن بن محمد معروف به حسنک وزیر پس از برکناری خواجه احمد حسن میمندی به وزارت امیر محمود رسید او از ثروت و مکننت برخوردار بود. حسنک وزیر سلطان محمود به پیروی از او به اظهار مخالفت با مسعود پرداخت و پس از مرگ سلطان محمود پسر کوچک او امیر محمد را در رسیدن به سلطنت یاری داد. این انگیزه‌ها مایه خشم و دل آزرده‌گی مسعود و نقطه آغاز بحران شد. «و حال حسنک دیگر بود، که بر هوای امیر محمد و نگاهداشت دل و فرمان محمود، این خداوندزاده را بیازرد و چیزها کرد و گفت که اکفاء آن را احتمال نکنند تا به پادشاه چه رسد». (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۲۷)

<sup>۱</sup> . pau - off

در این رفتار حسنک به لحاظ روان‌شناختی، فردی است که روابط او با مسعود به رفتار متقاطع تبدیل می‌شود. وقتی انگیزه و پاسخ در طرح «والد - بالغ - کودک» خطوط متقابل به وجود می‌آورند، رفتار متقابل متقاطع ایجاد می‌شود یک بن بست روانی و در نهایت رابطه مسدود کننده بین مسعود و حسنک ایجاد می‌شود که در پی آن بازی‌های روانی شکل می‌گیرد. بیهقی در ادامه می‌گوید «چون تعدی‌ها رفت از وی [حسنک] که پیش از این در تاریخ بیاورده‌ام، یکی آن بود که عبدوس را گفت: «امیرت را بگوی که من آن چه کنم به فرمان خداوند خود [محمود] کنم، اگر وقتی تحت ملک به تو رسد حسنک را بردار باید کرد...». (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۲۷) تعصب حسنک نسبت به مسعود در زمان محمود شکل گرفته بود که به تحقیر مسعود در دوران وزارت خود، آن را توسعه می‌دهد «بالغ» حسنک به وسیله اطلاعات قدیمی که مسعود قابل اعتماد نیست، دهن بین، مستبد و فردی خوشگذران است، با سرنخ‌های «والدی» حسنک چون تعهد، تعدی و عاقبت نیندیشی دچار آلودگی بالغ و پیش داوری نسبت به جانشینی محمد و حمایت از او و ایجاد مانع برای مسعود می‌شود بنابراین حسنک در بازی روانی من خوب هستم شما خوب نیستید وارد می‌شود. این وضعیت غالب بود که خود را برای پیروز بودن مُحق بداند و مسعود و اطرافیان او به خصوص بوسهل را نالایق و نادان می‌داند. بیهقی ضمن بیان تهور و بی‌باکی حسنک وزیر، شایستگی و لیاقت وی را در قیاس او با بوسهل زوزنی گوشزد می‌کند. «بوسهل با جاه و نعمت و مردمش در جنب امیر حسنک یک قطره آب بودی از رودی». (همان: ۲۲۷) بوسهل زوزنی در روزگار حسنک، در مدح و ستایش او زبان به سرودن شعر می‌گشاید و در زمانی دیگر تمام تلاش خود را برای سقوط حسنک به کار می‌بندد. حسنک در مجلس محاکمه خود در جواب بوسهل که او را سگ قرمطی خوانده است می‌گوید: «سگ ندانم که بوده است، خاندان من و آنچه مرا بوده است از آلت و حشمت و نعمت جهانیان دانند... جهان خوردم و کارها راندم و عاقبت کار آدمی مرگ است». (همان: ۲۳۲) حسنک عواقب این تبادل رفتار را پیش‌بینی می‌کند. او از فرایند ردیابی استفاده می‌کند تا احساس دردناک تسکین می‌یابد، «این روش برای حل مسأله به بالغ نیاز دارد و نوارهای والد و کودک از چرخش باز می‌ایستد». (هریس، ۱۳۹۵: ۹۹)

هر قدر برنامه‌ریزی فردی بین افراد بیشتر رخنه کند «اتفاق‌ها» نیز شروع می‌شود مخالفت حسنگ وزیر با مسعود بر سر جانشینی او به نفع برادرش محمد زمینه ساز کینه مسعود و نقطه آغاز بحران گردید، حسنگ دچار آلودگی «بالغ» با «کودک» می‌شود. احساسات او بر داوری او سایه می‌افکند و خود را به خاطر محمود و طرفداری از امیر محمد مُجاب می‌کند که باید همانند آن‌ها عمل کند. دفاع و پشتیبانی سلطان محمود از حسنگ، زمانی که او را از سوی خلیفه متهم به قرمطی بودن کرده‌اند نشان از محبوبیت و مقبولیت شخصیت حسنگ در نزد اوست تا حدی که او را با فرزندان و برادران خود برابر می‌دید. از نظر برن بین سلطان محمود و حسنگ یک همزیستی روانی وجود دارد سلطان محمود از حالت «والد» از حسنگ حمایت می‌کند در حالی که خود نقش «کودک» را برعهده دارد و حمایت حسنگ را برای سلطنت امیر محمد خواستار است. همزیستی در واقع بازنوازی وضعیت‌های قدیمی دوران کودکی است که افراد در نقش «کودک» و «والد» نقش اجرا می‌کند و به گونه‌ایی رفتار می‌کنند که گویی از بین آن‌ها یک شخص واحد ایجاد شده است در این رابطه هر دو فرد احساس راحتی و رضایت دارند و به خوبی تعهدات و قراردادهای بین یکدیگر را درک می‌کنند و نسبت به هم مشغول هستند. با این همه حسنگ به عنوان فردی فاقد ملکه استوار رعایت حد وسط معرفی شده است آشکارا با مسعود و عقاید او مخالفت می‌کند و مسعود به طور غیرمستقیم در پی از بین بردن آن است مسعود رنجش و خشم خود را در ماجرای ولیعهدی امیر محمد جمع کرده بود، و نیز زمانی که در هرات بود و حسنگ برای او مشرفانی گماشته بود احساس‌های مخربی پیدا کرد و آن‌ها را جمع و سپس نقد کرد. در این تبادل حسنگ آزارگر و مسعود قربانی است اما در قضیه محاکمه و اعدام، نقش‌ها عوض می‌شوند. استیفن کارپمن<sup>۱</sup> تحلیل بازی‌های روانی را طرح ریزی کرد و آن را مثلث نمایشی نامید آزارگر، ناجی، قربانی و کسی که بازی روانی را انجام می‌دهد ممکن است در این سه نقش تغییر موضع بدهند.

«افراد برای تحکیم احساسات خویش تمبر جمع می‌کنند تمبر همان نوازش مثبت یا منفی است که به وسیله آن نمایش‌نامه زندگی خود را به پیش می‌برند هر چند ممکن است که این پیش نویس زندگی مخرب باشد» (جیمز و جنگوارد، ۱۳۸۴: ۲۱۰) احساسات خشم آلود مسعود با آزار

<sup>۱</sup>. Stephen Karpman



و منهدم کردن حسنگ همراه است بنابراین به بوسهل می‌گوید «حجتی و عذری باید کشتن این مرد را و بوسهل گفت: حجتی بزرگ‌تر از مرد قرمطی است و...» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۲۹) محاوره و گفت و گوی بین بوسهل و مسعود از نوع محاوره‌ای است که پایه و اساس آن کلک بازی و طرح رفتاری آن نیرنگ بازی است و پیامی که فرستاده می‌شود تحت تاثیر شرایط اجتماع پسند اجرا می‌شود. مسعود از اتهام قرمطی بودن به عنوان ابزاری در جهت از میان برداشتن مخالفان و کسب درآمد استفاده می‌کرد. مسعود با طرد «بالغ» حتی حذف آن واقعیت را نادیده گرفته و تنها گفت و گوی کودک - والد خود را می‌شنود در نتیجه حسنگ اعدام و خود به نشاط سه روزه می‌رود.

### بوسهل زوزنی

«بوسهل زوزنی در بیشتر صحنه‌ها و ماجراهای مهم تاریخ بیهقی قرارداد او در شمار افرادی است که موجب رنج دیگران می‌شود فرد ستیزه جویی که فاقد وجدان یا احساس گناه و دلسوزی برای دیگران است به آسانی دروغ می‌گوید و کلاهبرداری می‌کند از نظر روان شناسی سایکوپات<sup>۱</sup> یا جامعه ستیز نامیده می‌شوند. او فردی تنگ دست بود که برای امرار معاش مربی گری فرزندان خواجه احمد میمندی را برعهده گرفته بود اما بعدها از زمره نزدیکان مسعود قرار گرفت با مطالعه فضای حاکم بردبار غزنوی در تاریخ بیهقی ارتباط‌های بیمارگونه شخصیت‌ها که بوسهل زوزنی از چنین افرادی بود می‌توان پی برد او یکی از ضلع‌های مثلث وزرا بعد از میمندی و حسنگ را تشکیل می‌دهد و هر جا صحبت از حسنگ می‌شود نام او دوشادوش نام او قرارداد» (دهقانی، ۱۳۹۵: ۱۱۸). وقتی که احمد میمندی به وزارت منصوب شد «بوسهل زوزنی بادی گرفت که از آن هولناک‌تر نباشد و به مردمان می‌نمود که این وزارت بدو می‌دادند، نخواست...» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۰۴) از نظر تحلیل رفتار متقابل بوسهل فردی است که همواره خود را از موضع بالا و از منظر من خوب هستم شما خوب نیستید عملکرد پیش نویس زندگی خود را پیش می‌برد فردی

۱ . psychopathic pevsonality

بدبین و متکبر که همیشه دیگران را با خرده‌گیری و نگرش یک سویه مورد آزار قرار می‌دهد او توانایی دیدن خوبی‌های دیگران را ندارد و برای پیش بردن مقاصد خود از ترفند مخرب استفاده می‌کند. «ترفند مخرب نوعی رفتار زیرکانه برای وادار کردن دیگران به انجام دادن کاری است که فرد خواهان آن است رفتاری که به گونه‌ای دیگران را مورد دستکاری قرار می‌دهد». (هی، ۱۳۸۰: ۲۹۶)

حلقه اتصال بوسهل و مسعود نوعی همزیستی روانی است که بین آن‌ها وجود دارد وقتی بوسهل از حالت «والد» و «بالغ» خود و مسعود از حالت «کودک» ارتباط برقرار می‌کنند این دو نفر روی هم رفته از سه حالت نفسانی برخوردار هستند بوسهل به شکل پنهانی روی مسعود سلطه جویی دارد اما مسئولیت حل مسئله یا اقدامات انجام شده توسط خود را به مسعود می‌سپارد و مسعود حالات نفسانی «بالغ» و «کودک» را نادیده می‌گیرد به گفته بیهقی «بیشتر خلوت‌های امیر مسعود با بوسهل بود، صارفات او می‌برید و مرافعات را او می‌نهاد و مصادرات او می‌کرد و مردمان از وی بشکوهیدند...». (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۸) در واقع تمام بایدها و نبایدهای حالت (والد) بوسهل «کودک» مطیع مسعود را مورد هدف قرار می‌داد. بوسهل طبق گفته بیهقی فرد چاپلوس و فرصت طلبی است که برای رسیدن به قدرت از هر شیوه‌ای بهره می‌گیرد. زمانی بوسهل محسود دیگران واقع شده بود و به اتهام قرمطی بودن به زندان غزنین محبوس بود و نیز توسط یکی از کارگزاران حسنک مورد بی‌احترامی واقع شده بود او این حوادث آسیب‌زا را که در پیش نویس زندگی خود ثبت و به عنوان تمبر خشم و آزرده‌گی جمع کرده بود وقتی که در نزد مسعود «شبه وزیر» گشت همه این‌ها را به نتیجه‌گیری موفق آمیز سوق داد. او در موضع من خوب نیستم، شما خوب هستید واقع بود فردی بدبین و افسرده که بدترین‌ها را در وجود افراد می‌دید افکار بدبینانه او احساس ناخوب بودن را به او القا می‌کرد و زمانی آرام می‌شد که دیگران نیز احساس بیچارگی کنند از اقدامات تلافی جویانه او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. پس گرفتن اموال بخشوده شده توسط امیرمحمد به درباریان، فساد در باب آلتونتاس، که باعث عزل و زندانی شدن بوسهل شده بود، کوشش در بردار کردن حسنک و...

بوسهل هم‌زمان دچار آلودگی و طرد می‌شد آلودگی «بالغ» به «کودک» او باعث می‌شد که تعصب‌های «والد» و توهمات «کودک» مرزهای «بالغ» را تهدید کند در این هنگام جای این که «بالغ» به طور عینی از واقعیت‌ها آگاه شود؛ تلاش می‌کرد تا آلودگی‌ها را توجیه کند. زمانی که بوسهل حسنگ را مدح می‌گفت دربان‌ش او را حرمت کافی به زعم او ننهادند بودند بوسهل در درون خود دچار سرخوردگی و شکستی عمیق می‌شود (مردم از من خوش‌شان نمی‌آید) نیز در آلودگی «بالغ» توسط «کودک» بوسهل می‌توان این‌گفت و گوی درونی را شنید که «والد» بوسهل می‌گوید به مردم نمی‌شود اعتماد کرد «کودک» بوسهل ← من به حسنگ اعتماد ندارم «والد» بوسهل ← حسنگ انسان خوبی نیست «کودک» بوسهل ← خداوند را کرا کند با چنین سگ قرمطی که بردار خواهند کرد...

بوسهل در شرایط مختلف واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهد مانند یک کودک گلایه می‌کند و فریاد می‌زند یا عصبانی و دیگر آزاری می‌کند و گاهی هم بی تفاوت است و احساسی ندارد او برای رسیدن به آمال خود بازی‌های روانی را به سه حالت شخصیت خود اجرا کند او همیشه می‌خواهد به عنوان فردی برنده در مواجهه با دیگران با خودمختاری به پیش برود و بهترین چیزی که از آن لذت می‌برد کلک بازی است از نظر برن «اساس هر بازی روانی با خدعه و نیرنگ توام است و کیفیت کار هم به جای این که فقط تحرک پذیر باشد، تکان دهنده است». (برن، ۱۳۸۷: ۵)

بوسهل تمام تلاش خود را برای سقوط حسنگ به کار می‌بندد «و به بلخ در امیر می‌دمید که ناچار حسنگ را بردار باید کرد» (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۲۸۸) و در مجلس محاکمه، حسنگ را سگ قرمطی خواند و تنها دفاع حسنگ در برابر بوسهل که می‌گوید «سگ ندانم که بوده است و آنچه مرا بوده است از آلت و حشمت و نعمت؛ جهانیان دانند». (همان: ۲۳۲) ظاهراً بحث در سطح «بالغ» - بالغ» بر سر یک اختلاف قدیمی بود، اما در سطح روانی، بحث «والد- بالغ» اجرا شد بوسهل به بهره برداری از آن پرداخت او انبوه خشم سال‌های محبوس شده خود را بر سر حریف خالی کرد و به بازخورد پنهانی (حالا گیت آوردم...) رسید شعفی پنهانی به او دست داد و یادآور تحقیر و کمبودهای خود شد اما آخرین بازی خود را با نقاب طرد «بالغ» که برچهره دارد اجرا می‌کند «نقاب یک تلقی

پذیرفته شده ویژه» است که شخص می‌داند با نیات آگاهانه او ارتباط دارد و در عین حال، خواسته‌ها و نظریات محیط را هم رعایت می‌کند. بدین صورت، او با فریب دیگران و حتی خودش آن را خصوصیت واقعی خود قلمداد می‌کند.» (برن، ۱۳۹۵: ۱۹۲)

«کودک» بوسهل در پس نقاب پنهان و مترصد مانده بود تا پس از جمع‌آوری تمبرهای خشم و انتقام نقاب را کنار بزند. او «بالغ» خود را حذف می‌کند و تنها جنبه‌های شخصیتی «والد» و «کودک» را فعال می‌کند و به یک روان پریش دچار می‌شود و مخاطب وقتی که بوسهل از سر بریده حسنگ به عنوان نوباوه نام می‌برد به عدم تعادل روانی که به بی‌وجدانی رسیده است پی می‌برد او در این مرحله شخصیت «والد» خود را طرد می‌کند و تنها راه پیروز شدن را حذف «والد» می‌داند و فقط به دنبال خواسته‌های خود یعنی «کودک» می‌رود و به بی‌وجدانی و بی‌ارزش بودن دچار می‌شود. «آلودگی کودک سبب می‌شود واقعیت سنجی فرد دچار مشکل شود اعتبار و صحت و سقم باورها زیر سوال برود منشأ آسیب‌شناسی روانی و تعارض در تجارب کودکی است که در قسمت ناخود آگاه فرد قرار دارد اما در طی زمان از طریق پدیده انتقال خود را نمایش می‌دهد.» (ویدوسون، ۱۳۹۲: ۵۵)

بوسهل به خشم مهار نشده خود اعتراف می‌کند و می‌گوید با صفرای خویش برنیامدم او ماهیت اختصاصی خود را که سال‌ها برای تنازع بقا تلاش کرده با مکانیسم خشم نشان می‌دهد از نظر برن «نوعی جنون خفیف با طرد «والد» به وسیله «کودک» با همدستی «بالغ» آلوده شده صورت می‌گیرد این وضعیت زمینه را برای فعالیت دیوانه‌وار «کودک» کاملاً باز می‌کند» (برن، ۱۳۹۶: ۶۳) اختلالات شخصیتی بوسهل از نظر تحلیل رفتار نمایشی از «کودک» را نشان می‌دهد که با واپس رانی و طرد بالغ بدون احساس پشیمانی به دیگر آزاری می‌پردازد.

### نتیجه گیری

اگر وزارت دربار غزنوی را به مثابه مثلی در نظر بگیریم از میان وزرا به سه ضلع خواجه احمد میمندی، حسنگ وزیر و شبه وزیری به نام بوسهل زوزنی می‌رسیم که هر کدام از آن‌ها با هم یا به تنهایی کانون توجه بوده‌اند و مشکلات زیادی برای اشخاص و حکومت به وجود آورده بودند.

خواجه احمد حسن میمندی از وزارت خلع و اموال او صادر شده بود. رابطه او با دربار غزنوی از نوع رابطه متقاطع و مسدود کننده بود اما بعد از دلجویی مسعود به التیام زخم‌های روحی خود می‌پردازد و از موضع بزرگ انگاری من خوب هستم به اوضاع می‌نگرد او خشونت را تجربه کرده ولی زنده ماندن را هم تجربه می‌کند و در پی نقد کردن تمبرهای خشم خویش است با «والد» خود انتقام می‌گیرد نفرت در او باقی است اگر چه این نفرت را تا حدی زیر نقاب ادب حساب شده مخفی کرده است بازی روانی او این است که همیشه تقصیر دیگران است... و خود با پارسامنتی و زهدنمایی و انتقام از دشمنان خود با مسعود وارد رابطه مکمل موازی می‌شود در ماجرای قتل حسنگ ظاهراً دخالتی نکرد اما با پاسخ از «کودک» خود که آلوده به «بالغ» شده بود دست مسعود را در قتل او بازگذاشت «سوگند خوردم در خون کسی حق و ناحق سخن نگویم... اگر حسنگ قرمطی باشد در خون وی سخن نگویم... در واقع میمندی بدون احساس رحم و شفقت و بعد از آلودگی، بالغ خود را مسدود و حذف می‌کند.

رابطه متقابل حسنگ با دیگران از جمله مسعود و بوسهل زوزنی از نوع رابطه متقابل متقاطع است زیرا ممکن نبود خواسته‌های آن‌ها هم سوی یکدیگر و موازی هم باشد «والد» دائمی حسنگ او را فردی سخت کوش که دارای احساس قوی و وظیفه شناسی دارد نشان می‌دهد و در اعدام شدن، در حالت «بالغ» مُنصف است و از خواجه احمد بخلی می‌خواهد او دیگران را از موضع بالادست کنترل می‌کند. نقطه مقابل حسنگ بوسهل زوزنی است «کودک» درون بوسهل با تجربه‌های کهن احساس فشار می‌کند یک تبادل نهانی بین بوسهل و حسنگ شروع می‌شود بوسهل برای حل تعارض به مسعود پناه می‌برد به «والد» درون او دست پیدا می‌کند بالغ در هر دو مسدود و حذف می‌شود و سرانجام مجوز مخالفت با حسنگ و در نهایت قتل او صادر می‌شود بوسهل از

---

مسعود به عنوان یک مکانیسم دفاعی برای پیش‌نویس زندگی خود بهره برده و برای سرکوب مخالفان خود از وضعیت (بوسهل) من خوبم - تو خوبی (مسعود) و آنها خوب نیستند استفاده می‌کند و چون مسعود همراه اوست او را هم وارد بازی روانی و پنهانی خود می‌کند تا به مبارزه و انتقام خود مشروعیت ببخشد بوسهل فردی غیرمتعادل است گاه جنبه‌های «والد» و «کودک» او قوی اما «بالغ» مسدود است رفتار او اغلب مخلوط درهمی است از ادیب بودن و امام زاده بودن اما با رفتارهای عشرت طلب خوشگذران و مؤذنی بودن در بعضی مواقع «بالغ» او به وسیله «کودک» آلوده شده و «والد» طرد می‌شود و تبدیل به فرد خشن و ترس‌آور می‌شود همان که برن آن را بی‌وجدانی می‌نامد که هیچ‌گاه بعد از جنایت احساس شرم و گناه و پشیمانی نمی‌کند.

فهریت منابع و مأخذ

- ۱ استوارت یان و جونز ون، (۱۳۹۵) تحلیل رفتار متقابل روش های نوین در روان شناسی، مترجم بهمن دادگستر، تهران: ناشر، چاپ بیست و ششم.
- ۲ استینر، کلود، (۱۳۹۵)، پیش نویس های زندگی در تحلیل رفتار متقابل، ترجمه علی بابایی زاد و آزاده سجادی نسبت، تهران: آوسیا، چاپ دوم.
- ۳ برن، اریک، (۱۳۹۵)، بعد از سلام چه می گوئید، مترجم مهدی قراچه داغی تهران: شابک، چاپ سوم.
- ۴ = \_\_\_\_\_، (۱۳۹۶)، تحلیل رفتار متقابل، مترجم اسماعیل فصیح، تهران: نو، چاپ نهم.
- ۵ = \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، بازی های روان شناسی روابط انسانی، تهران: نشر ذهن آویز، چاپ سیزدهم.
- ۶ بهرامی مؤید، منصور، (۱۳۹۵)، مفاهیم تحلیل رفتار متقابل، تهران: نسل نواندیش.
- ۷ بیهقی، محمدحسین، (۱۳۸۸)، تاریخ بیهقی، توضیح خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب، چاپ سیزدهم.
- ۸ جنگوار، دورتی، جیمز، موریل، (۱۳۸۴)، برای خوشبختی و موفقیت آفریده شده ایم، ترجمه حسن قاسم زاده، (۱۳۸۴)، تهران: آسا، چاپ چهارم.
- ۹ دهقانی، محمد، (۱۳۹۵)، حدیث خداوندی و بندگی تحلیل تاریخ بیهقی، تهران: فی، چاپ دوم.
- ۱۰ رضایی، جمال، (۱۳۷۴)، «بوسهل زوزنی در تاریخ بیهقی» یادنامه ابوالفضل بیهقی (مجموعه سخنرانی های مجلس بزرگداشت بیهقی)، مشهد: دانشگاه فردوسی، ص: ۲۲۷.
- ۱۱ شفیق آبادی، عبدالله؛ ناصری، غلامرضا، (۱۳۹۹)، نظریه های مشاوره و روان درمانی، تهران: نشر دانشگاهی، چاپ هشتم.
- ۱۲ کارخانه ایی، بهرام، (۱۳۸۵)، تحلیل رفتار متقابل در خدمت موفقیت های فردی و اجتماعی، تهران: شهر آشوب، چاپ اول.

- ۱۳ - کاکاوند، رشید، (۱۳۸۸)، شعور قلم درباره تاریخ بیهقی، تهران: ققنوس، چاپ اول.
- ۱۴ - هریس، تامس، (۱۳۹۵)، ماندن در وضعیّت آخر، مترجم اسماعیل فصیح، تهران: نو، چاپ بیست و پنجم.
- ۱۵ - هی، جولی، (۱۳۸۰)، روان‌شناسی موفقیت در محیط کار، مترجم: مینو پرنیانی، تهران: رشد، چاپ اول.
- ۱۶ - ویدسون، مارک، (۱۳۹۲)، تحلیل رفتار متقابل (تحلیل تبادلی)، مترجم: زهرا قلخانی، تهران: کتاب ارجمند، چاپ اول.